

روایات تقول سهو ونسیان المعصوم: روایاتی که سهو و نسیان معصوم را بیان می‌نماید

روایات ذکرت سهو النبي (صلی الله علیه وآله):
روایاتی که سهو پیامبر (ص) را ذکر می‌کند

تهذیب الأحكام: «الحسین بن سعید عن ابن أبي عمير عن جميل قال سألت أبا عبد الله (عليه السلام): عن رجل صلى ركعتين ثم قام قال: يستقبل، قلت: فما يروي الناس؟ فذكر له حديث ذي الشمالين فقال: إن رسول الله (صلی الله علیه وآله) لم يبرح» [666].

تهذیب الاحكام: ابوبصیر گوید: (از امام صادق (ع) درباره‌ی شخصی که نماز (چهار رکعتی) را به اشتباه در رکعت دوم تمام کرده و از جای خود برخاسته و رفته است، سؤال کردم. امام فرمود: باید نماز را اعاده کند. به امام عرض کردم: پس مردم از قول پیامبر چه می‌گویند؟ امام در جواب، حدیث ذوالشمالین را یادآوری کرد و فرمود: پیامبر چون از جای خود برنخاسته بود و صورت نماز را به هم نزده بود، نمازش را تمام کرد). [667]

تهذیب الأحكام: «عن فضالة عن الحسين بن عثمان عن سماعة عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله (عليه السلام): عن رجل صلى ركعتين ثم قام فذهب في حاجته قال: يستقبل الصلاة، فقلت: ما بال رسول الله (صلی الله علیه وآله) لم يستقبل حين صلى ركعتين؟ فقال: إن رسول الله (صلی الله علیه وآله) لم ينفتل من موضعه» [668].

تهذیب الاحكام: ابوبصیر گوید: (از امام صادق (ع) درباره‌ی شخصی که نماز (چهار رکعتی) را به اشتباه در رکعت دوم تمام کرده و از جای خود برخاسته و به دنبال کار خود رفته است، سؤال کردم. امام فرمود: باید نماز را اعاده کند. به امام

عرض کردم: پس چرا رسول الله (ص) بعد از آن که دو رکعت نماز خواندند، اعاده نکردند؟ امام فرمود: زیرا رسول الله از جای خود حرکت نکرده بود. ([669])

تهذیب الأحكام: «وروی سعد عن محمد بن الحسين عن جعفر بن بشير عن الحرث بن المغيرة النصرى قال قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): إنا صلينا المغرب فسها الإمام فسلم في الركعتين فأعدنا الصلاة فقال: ولم أعدتم؟! أليس قد انصرف رسول الله (صلى الله عليه وآله) في ركعتين فأتم بركعتين ألا أتمتم؟!» ([670]).

تهذیب الاحكام: حارث بن مغیره نصری می گوید: (به امام صادق (ع) عرض کردم: ما نماز مغرب را خواندیم. ولی امام سهو و اشتباه نمود و در دو رکعت سلام داد. ما نماز را دوباره خواندیم. ایشان فرمود: چرا دوباره خواندید؟! آیا رسول الله (ص) دو رکعت را به پایان نرساند، بعد با دو رکعت آن را تمام نکرد؟ چرا شما کامل نکردید؟!.) ([671])

تهذیب الأحكام: «ما رواه سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن الحسين عن فضالة عن سيف بن عميرة عن أبي بكر الحضرمي قال: صليت بأصحابي المغرب فلما أن صليت ركعتين سلمت فقال: بعضهم إنما صليت ركعتين فأعدت فأخبرت أبا عبد الله (عليه السلام) فقال: لعك أعدت فقلت: نعم فضحك ثم قال: إنما كان يجزيك أن تقوم وتركع ركعة إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) سها فسلم في ركعتين ثم ذكر حديث ذي الشمالين فقال: ثم قام فأضاف إليها ركعتين» ([672]).

تهذیب الاحكام: ابوبکر حضرمی می گوید: (با همراهانم نماز مغرب را می خواندم. وقتی دو رکعت خواندم، سلام دادم. برخی از آنان گفتند: دو رکعت نماز خواندی. دوباره نماز را خواندم و این موضوع را به امام صادق (ع) خبر دادم. ایشان فرمود: دوباره خواندی؟ عرض کردم: بله. ایشان خندید و فرمود: خداوند در صورتی به تو پاداش می دهد که بایستی و یک رکعت دیگر بخوانی.

رسول الله (ص) سهو و اشتباه نمود و در دو رکعت سلام داد. سپس حدیث ذوالشمالین را ذکر نمود و فرمود: سپس دو رکعت به آن اضافه نمود. ([673])

تهذیب الأحکام: «سعد عن أبي الجوزاء عن الحسين بن علوان عن عمرو ابن خالد عن زيد بن علي عن آبائه عن علي (عليه السلام) قال: صلى بنا رسول الله (صلى الله عليه وآله) الظهر خمس ركعات ثم انفتل فقال له بعض القوم: يا رسول الله هل زيد في الصلاة شيء؟ فقال: وما ذاك؟ قال: صليت بنا خمس ركعات قال: فاستقبل القبلة وكبر وهو جالس ثم سجد سجدتين ليس فيهما قراءة ولا ركوع ثم سلم وكان يقول: هما المرغمتان» ([674]).

تهذیب الاحکام: علی (ع) فرمود: (رسول الله (ص) نماز ظهر را پنج رکعت خواند و (از مکانش) جدا شد. برخی از افراد به ایشان عرض کردند: یا رسول الله (ص) آیا در نماز چیزی افزوده شده است؟ ایشان فرمود: آن چیست؟ عرض کردند: برای ما پنج رکعت نماز خواندی. ایشان در حالت نشسته رو به قبله نمود و تکبیر گفت. سپس دو سجده انجام داد که در آن قرائت و رکوعی نبود. سپس سلام داد و همیشه می فرمود: این دو، بینی را به خاک می مالد. ([675])

تهذیب الأحکام: «أحمد بن محمد عن الحسن بن علي بن فضال عن أبي جميلة عن زيد الشحام أبي أسامة قال: سألته عن الرجل صلى العصر ست ركعات أو خمس ركعات قال: إن استيقن انه صلى خمسا أو ستا فليعد، وإن كان لا يدري أزيد أم نقص فليكبر وهو جالس ثم ليركع ركعتين يقرأ فيهما بفاتحة الكتاب في آخر صلاته ثم يتشهد، وإن هو استيقن انه صلى ركعتين أو ثلاثا ثم انصرف فتكلم فلم يعلم أنه لم يتم الصلاة قائما عليه أن يتم الصلاة ما بقي منها، فإن نبي الله (صلى الله عليه وآله) صلى بالناس ركعتين ثم نسي حتى انصرف فقال له ذو الشمالين: يا رسول الله أحدث في الصلاة شيء؟ فقال: أيها الناس أصدق ذو الشمالين؟ فقالوا: نعم لم تصل إلا ركعتين، فقام فأتهم ما بقي من صلاته» ([676]).

تهذیب الاحکام: زید شحام ابواسامه می گوید: در مورد مردی پرسیدم که نماز عصر را شش رکعت یا پنج رکعت خوانده است. ایشان فرمود: (اگر یقین دارد که پنج یا شش رکعت خوانده است، دوباره بخواند. و اگر نمی داند آیا افزوده است یا کم نموده است در حالت نشسته تکبیر بگوید و فاتحة الكتاب را در آخر نمازش بخواند. سپس تشهد بگوید. اگر یقین دارد که دو یا سه رکعت خوانده است و به پایان رساند و سخن گفت و نمی دانست که نماز را در حالت ایستاده به پایان رسانده است، بر اوست که مقدار نمازی که باقی مانده است را به اتمام برساند. چرا که پیامبر خدا(ص) برای مردم دو رکعت نماز خواند؛ سپس فراموش نمود و در همان رکعت دوم به پایان رساند. ذوالشمالین به ایشان عرض کرد: ای رسول الله! آیا در نماز چیزی افزوده شده است؟ فرمود: ای مردم! آیا ذوالشمالین راست می گوید؟ عرض کردند: بله، شما فقط دو رکعت نماز خواندی. ایشان ایستاد و مقداری از نمازش را که باقی مانده بود، به اتمام رساند). ([677])

الكافي: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مَهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ فَأَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) صَلَّى بِالنَّاسِ الظُّهْرَ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ سَهَا فَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ ذُو الشَّمَالَيْنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْزَلَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ فَقَالَ وَمَا ذَلِكَ قَالَ إِنَّمَا صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَتَقُولُونَ مِثْلَ قَوْلِهِ قَالُوا نَعَمْ فَقَامَ (صلى الله عليه وآله) فَأَتَمَّ بِهِمُ الصَّلَاةَ وَسَجَدَ بِهِمُ سَجْدَتِي السَّهْوِ قَالَ قُلْتُ أَرَأَيْتَ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَظَنَّ أَنَّهِنَّ أَرْبَعٌ فَسَلَّمَ وَانصَرَفَ ثُمَّ ذَكَرَ بَعْدَ مَا ذَهَبَ أَنَّهُ إِنَّمَا صَلَّى رَكَعَتَيْنِ قَالَ يَسْتَقْبِلُ الصَّلَاةَ مِنْ أَوْلَاهَا قَالَ قُلْتُ فَمَا بَالُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمْ يَسْتَقْبِلِ الصَّلَاةَ وَإِنَّمَا أَتَمَّ بِهِمُ مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَإِنْ كَانَ لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلَيْتِمَّ مَا نَقَصَ مِنْ صَلَاتِهِ إِذَا كَانَ قَدْ حَفِظَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ» ([678]).

کافی: سماعة بن مهران گوید: امام صادق (ع) فرمود: (هر فردی سهو و اشتباهش را به ذهن بسپارد و آن را کامل نماید، دو سجده‌ی سهو بر او نیست. رسول الله (ص) نماز ظهر را برای مردم دو رکعت خواند. سپس سهو و اشتباه نمود و سلام داد. ذوالشمالین به ایشان عرض کرد: آیا در نماز چیزی فرستاده شد؟ ایشان فرمود: چه چیزی؟ عرض کرد: دو رکعت نماز خواندی. رسول الله (ص) فرمود: آیا مانند سخن او را می‌گویند؟ عرض کردند: بله. ایشان (ص) ایستاد و نماز را با آنان به اتمام رساند و به همراه آنان، دو سجده‌ی سهو انجام داد. راوی گوید: عرض کردم: آیا فردی را ندیدی که دو رکعت نماز خواند و گمان می‌کند که چهار رکعت است و سلام داد و آن را به پایان رساند. سپس پس از این که رفت، یادش آمد که دو رکعت نماز خوانده است؟ ایشان فرمود: از اول رو به قبله می‌نماید. عرض کردم: پس چرا رسول الله (ص) رو به قبله ننمود و مقدار باقی مانده‌ی نمازش را به اتمام رساند؟ فرمود: رسول الله (ص) از آن مکان نرفت. اگر از مکانش نرفته باشد و اگر دو رکعت اولی را انجام داده باشد، باید مقداری از نماز که کمبود دارد را انجام دهد). [679]

الكافي: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ الْبَرْقِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (عليه السلام) أَسَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَحَالَهُ قَالَ إِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُفَقِّهَهُمْ» [680].

کافی: حسن بن صدقه می‌گوید: (به ابوالحسن اول عرض کردم: آیا رسول الله (ص) در دو رکعت اول سلام داد؟ فرمود: بله. عرض کردم: حالت این فرد مانند حالت ایشان می‌باشد. فرمود: خداوند عزوجل خواسته است تا به آنان بفهماند).

[681]

الكافي: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ثُمَّ سَلَّمَ فِي رَكَعَتَيْنِ فَسَأَلَهُ مَنْ خَلْفَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَدَتْ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ قَالَ وَمَا ذَلِكَ قَالُوا إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ فَقَالَ أَكْذَبَكَ يَا ذَا الْأَيْدِينَ وَكَانَ يُدْعَى ذَا الشَّمَالَيْنِ فَقَالَ نَعَمْ فَبَنَى عَلَى صَلَاتِهِ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ أَرْبَعًا وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَنْسَاهُ رَحْمَةً لِلْأُمَّةِ إِلَّا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَنَعَ هَذَا لَعِيرَ وَقِيلَ مَا تُقْبَلُ صَلَاتُكَ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمَ ذَاكَ قَالَ قَدْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَصَارَتْ أَسْوَةً وَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لِمَكَانِ الْكَلَامِ» [682].

کافی: سعید اعرج می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: (رسول الله (ص) نماز خواند. سپس در رکعت دوم سلام داد. افرادی که پشت سر ایشان بودند، از ایشان پرسیدند: یا رسول الله (ص)، آیا در نماز اتفاقی افتاده است؟ فرمود: چه چیزی؟ عرض کردند: دو رکعت نماز خواندی. ایشان فرمود: ای ذوالیدین! آیا این گونه است؟ به او ذوالشمالین نیز می گفتند. عرض کرد: بله. ایشان نمازش را بر همان رکعت بنا نهاد و تا چهار رکعت به پایان رساند. امام صادق (ع) سپس فرمود: خداوند به خاطر لطف به امت، پیامبر را به فراموشی انداخت. آیا نمی دانی که اگر فردی این کار را انجام می داد، از او عیب گرفته می شد و گفته می شد: نمازت مورد پذیرش قرار نگرفت؟ اما فردی که امروز دچار این موضوع شود، می گوید: رسول الله (ص) سنتی ایجاد کرده است و الگو شده است و دو سجده، برای سخن گفتن در اثنای نماز به جای آورده است). [683]

عیون أخبار الرضا (عليه السلام): «حدثنا تميم بن عبد الله بن تميم القرشي قال: حدثني أبي عن أحمد بن علي الأنصاري عن أبي الصلت الهروي قال: قلت للرضا (عليه السلام) يا بن رسول الله إن في سواد الكوفة قوما يزعمون أن النبي (صلى الله عليه وآله) لم يقع عليه السهو في صلاته، فقال: كذبوا لعنهم الله أن الذي لا يسهو هو الله الذي لا إله إلا هو....» [684].

اباصلت هروی می گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم: (ای فرزند رسول الله (ص) در میان جماعت کوفیان، گروهی هستند که می پندارند سهو در نماز بر پیامبر (ص) واقع نشده است. ایشان فرمود: دروغ می گویند. خدا لعنت شان کند. فردی که سهو ندارد، خداوندی است که معبودی جز او نیست...).[685]

المحاسن: «عنه، عن جعفر بن محمد الأشعث، عن ابن القداح، عن أبي عبد الله، عن أبيه (عليهما السلام) قال: صلى النبي (صلى الله عليه وآله) صلاة وجهر فيها بالقراءة، فلما انصرف قال لأصحابه: هل أسقطت شيئاً في القراءة؟ - (قال: فسكت القوم، فقال النبي (صلى الله عليه وآله): أفیکم أبي بن کعب؟ - فقالوا: نعم، فقال: هل أسقطت فيها بشئ؟ - قال: نعم يا رسول الله. إنه كان كذا وكذا، فغضب (صلى الله عليه وآله) ثم قال: ما بال أقوام يتلى عليهم كتاب الله فلا يدرون ما يتلى عليهم منه ولا ما يترك! هكذا هلكت بنو إسرائيل، حضرت ابدانهم و غابت. قلوبهم، ولا يقبل الله صلاة عبد لا يحضر قلبه مع بدنه» [686].

امام صادق (ع) از پدرش (ع) نقل فرمود: (پیامبر (ص) نماز خواند و قرائت را در آن جهر و بلند خواند. وقتی به اتمام رسید، به صحابه اش فرمود: آیا در قرائت چیزی ساقط شده است؟ آنها ساکت شدند. پیامبر (ص) فرمود: آیا ابی بن کعب در میان شماست؟ عرض کردند: بله. ایشان فرمود: آیا چیزی در نماز ساقط شده است؟ ابی بن کعب عرض کرد: بله، یا رسول الله! این چنین بود. ایشان (ص) خشمگین شد. سپس فرمود: این گروه را چه شده است که کتاب خداوند بر آنها خوانده می شود و آیاتی را که بر آنان خوانده می شود و ترک می شود، نمی دانند؟ بنی اسرائیل این گونه به هلاکت رسیدند. بدن هایشان حاضر بود، ولی دل هایشان خیر؛ و خداوند نماز بنده ای را نمی پذیرد که دلش با بدنش حاضر نیست...).[687]

من لا يحضره الفقيه: «وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ الرَّبَاطِيِّ عَنِ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ (688) قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَامَ رَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) عَنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ قَامَ فَبَدَأَ فَصَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ ثُمَّ صَلَّى الْفَجْرَ وَأَسْهَأَ فِي صَلَاتِهِ فَسَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ وَصَفَ مَا قَالَهُ ذُو الشَّمَالَيْنِ وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ بِه رَحْمَةٌ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ لِنَلَّا يُعَيِّرَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمَ إِذَا هُوَ نَامَ عَنْ صَلَاتِهِ أَوْ سَهَا فِيهَا فَيُقَالُ: قَدْ أَصَابَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)» (689).

من لا يحضره الفقيه: حسن بن محبوب به نقل از سعید اعرج (690) می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: (خداوند تبارک و تعالی رسولش (ص) را هنگام نماز صبح به خواب انداخت تا این که خورشید طلوع کرد. سپس بلند شد و دو رکعت پیش از صبح را خواند. سپس نماز صبح را خواند و او را در نمازش به سهو و اشتباه انداخت. ایشان در دو رکعت سلام داد. سپس سخنی را که ذوالشمالین گفته بود، توصیف نمود. این کار را نسبت به او انجام داد تا اگر فرد مسلمان از نمازش خواب بماند یا در آن اشتباه کند، از او عیب گرفته نشود. در نتیجه گفته شود: رسول الله (ص) به هدف رسیده است). (691)

[666]. تهذیب الأحکام - الطوسی: ج 2 ص 345 - 346.

[667]. تهذیب الاحکام، طوسی، ج 2، ص 245 و 346.

[668]. تهذیب الأحکام - الطوسی: ج 2 ص 346.

[669]. تهذیب الاحکام، طوسی، ج 2، ص 346.

[670]. تهذیب الأحکام - الطوسی: ج 2 ص 180.

[671]. تهذیب الاحکام، طوسی، ج 2، ص 180.

[672]. تهذیب الأحکام - الطوسی: ج 2 ص 180.

[673]. تهذیب الاحکام، طوسی، ج 2، ص 180.

[674]. تهذیب الأحکام - الطوسی: ج 2 ص 349 - 350.

[675]. تهذيب الاحكام، طوسی، ج ۲، ص ۳۴۹ و ۳۵۰.

[676]. تهذيب الأحكام - الطوسي: ج 2 ص 352.

[677]. تهذيب الاحكام، طوسی، ج ۲، ص ۳۵۲.

[678]. الكافي - الكليني: ج 3 ص 355 - 356.

[679]. كافي، كليني، ج ۳، ص ۳۵۵ و ۳۵۶.

[680]. الكافي - الكليني: ج 3 ص 356.

[681]. كافي، كليني، ج ۳، ص ۳۵۶.

[682]. الكافي - الكليني: ج 3 ص 357.

[683]. كافي، كليني، ج ۳، ص ۳۵۷.

[684]. عيون أخبار الرضا (عليه السلام) - الصدوق: ج 2 ص 219.

[685]. عيون اخبار الرضا(ع)، صدوق: ج ۲، ص ۲۱۹.

[686]. المحاسن - البرقي: ج 1 ص 260.

[687]. محاسن، برقي، ج ۱، ص ۲۶۰.

[688]. وقد ذكر الصدوق طريقه إلى ابن محبوب في (المشيخة) قائلاً: "وما كان فيه عن الحسن بن محبوب فقد روئته عن محمد بن موسى بن المتوكل (رض) عن عبدالله بن جعفر الحميري وسعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب"

قال السيد الخوئي في (المعجم): "والطريق صحيح (معجم رجال الحديث ج 5 ص 91)، والحسن بن محبوب وثقه الشيخ في فهرسته ورجاله، وقال النجاشي: وعده الكشي من الفقهاء الذي أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عنهم، والرباطي قال السيد الخوئي: الظاهر أنه علي بن الحسن بن رباط المتقدم ترجمته، وقال في ترجمته: قال نجاشي: علي بن الحسن بن رباط البجلي أبو الحسن كوفي ثقة معول عليه، وسعيد الأعرج قال النجاشي: سعيد بن عبدالرحمن قيل بن عبدالله الأعرج السمان أبو عبدالله التيمي (التيمي) مولا هم كوفي ثقة. والرواية صرح بصحتها الميرزا القمي في مناهج الأحكام: ص 677؛ والشيخ عبد الله المامقاني في نهاية المقال في تكملة غاية الآمال: ص 318.

[689]. من لا يحضره الفقيه - الصدوق: ج 1 ص 358 - 359.

[690]. صدوق در مورد طريق نقل اين روايت از حسن بن محبوب گفته است: من روايات حسن بن محبوب را از محمد بن موسى بن متوكل (رض) از عبدالله بن جعفر حميرى و سعد بن عيدالله از احمد بن محمد بن عيسى از حسن بن محبوب نقل می کنم.

سید خوبی در معجم گفته است: این طریق صحیح است. (معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۹۱) شیخ طوسی در فهرست و رجالش حسن بن محبوب را موثق دانسته است. نجاشی نیز گفته است: کشی او را از فقهایی شمرده است که یاران ما بر صحیح بودن روایات آنان إجماع دارند، و نیز رباطی او را موثق دانسته اند. سید خوبی می گوید:

ظاهراً علی بن حسن بن رباط، شرح حالش را ذکر کردم، و در شرح حالش می‌گوید: نجاشی گفته است: ابوالحسن علی بن حسن بن رباط بجلی کوفی ثقه است. در مورد سعید اعرج نیز نجاشی می‌گوید: سعید بن عبدالرحمن قیل بن عبدالله اعرج سمان ابوعبدالله تمیمی اهل کوفه و ثقه است. میرزای قمی نیز در «مناهج الاحکام» ص ۶۷۷، و شیخ عبدالله مامقانی در نه‌ایة المقال فی تکملة غاية الامال، ص ۳۱۸ در مورد صحت این روایت تصریح کرده‌اند.

[691]. من لایحضره الفقیه، صدوق، ج ۱، صص ۳۵۸ تا ۳۵۹.